

«مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام»

مهدی گنجور *

اسماعیل ملکوتی خواه **

فهیمة سادات موسویان نژاد ***

چکیده

نوشتار حاضر با توجه به نیاز علمی جامعه‌ی امروزی به الگوی رفتار ارتباطی با همسر، درصدد استنباط و ارائه‌ی معیارهای سازگاری و اخلاق مدارا در زندگی زناشویی برآمده است. این مقاله به سبک مسئله‌محور و با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر به تبیین مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر در پرتو آموزه‌های مترقی اسلام می‌پردازد. بدین منظور ابتدا به طرح دقیق مسئله پرداخته، تصویری از هویت و چیستی "رفق و مدارا" در فرهنگ دینی ارائه می‌دهد. در ادامه با رهیافتی درون‌دینی به بیان ضرورت مدارا با همسر و سپس به تبیین خصوصیات همسران سازگار و اهل مدارا از موضع علم و دین می‌پردازد.

کلید واژه

الگوی سازگاری، اخلاق مدارا، حق سالاری، حل مسئله، مسئولیت‌پذیری، عشق

*- عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

** - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

*** - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

(۱) طرح مسئله

یکی از مباحث مهم روان‌شناسی خانواده، مسئله‌ی «سازگاری و مدارا با همسر» است، که دوام و سلامت نظام خانواده در گرو تحقق و حاکمیت آن بر روابط همسری می‌باشد. بدیهی است با توجه به خلأ معرفتی موجود و نیاز علمی جامعه به معیار رفتار مداراگونه با همسر، ارائه‌ی الگویی عملی و مبتنی بر اخلاق اصیل اسلامی در این زمینه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چه اینکه اهمیت این پژوهش را نمی‌توان در تعدیل و اصلاح تلقی خشونت‌آمیز و دور از انصاف مخالفان، نسبت به دین منصف اسلام و فرامین اخلاقی و توصیه‌های رفتاری آن با جنس لطیف و حسّاس زن نادیده گرفت. از این رو نگارنده در نوشتار حاضر در صدد تبیین این مسئله برآمده به ارائه‌ی الگوی سازگاری و اخلاق مدارا با همسر در پرتو آموزه‌های مترقی اسلام می‌پردازد، اما از آنجا که حلّ موفق مسئله، مسبوق به تشخیص دقیق آن است لذا پیش از ورود به بحث باید به طرح شفاف مسئله و رفع ابهام از آن پرداخت. مسئله‌ی نخست به ترتیب منطقی این است که مراد از «رفق و مدارا» در لغت و اصطلاح چیست؟ پرسش اساسی دیگر آنکه، حاکمیت اخلاق مدارا با همسر از موضع روان‌شناسی و دین چه اهمیت و لزومی دارد؟ مسئله‌ی بعد، تبیین خصوصیات همسران سازگار است که آیا می‌توان برای زوجین اهل رفق و مدارا، ویژگی‌ها و خصوصیات برشمرد؟ دیدگاه پیشوایان دین و روان‌شناسان در این باره کدام است؟ و مهم‌ترین مسئله

اینکه رفتار مداراگونه‌ی همسران با یکدیگر بر مبنای چه الگویی باید باشد؟ به تعبیری، چه شاخص‌هایی می‌توان از فرهنگ دینی و آموزه‌های وحیانی اسلام به عنوان مؤلفه‌های الگوی سازگاری و اخلاق مدارا با همسر استنباط و ارائه نمود؟

پاسخ به این پرسش‌ها با تکیه بر وحی و سیره‌ی تربیتی پیشوایان اسلام غایت نوشتار حاضر است که علاوه بر حلّ مسائل تئوری و نظری در حیطه‌ی روابط زناشویی نیز کاربرد و تأثیر عملی خواهد بود.

۲) مقدمه

«از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان برای شما زنان و همسرانی آفرید تا در کنار آنان سکون و آرامش یابید و بین شما رحمت و صمیمیت قرار داد. به درستی که در این کار نشانه‌هایی است برای افرادی که اهل فکر و اندیشه هستند» (روم: ۲۱).

در آیین مقدّس اسلام، ازدواج به عنوان مقدّس‌ترین نهاد اجتماعی و محکم‌ترین پیمان، پایه و اساس روابط انسانی را شکل می‌دهد. قرآن پیوند ازدواج را «میثاق غلیظ» می‌نامد (نساء: ۲۱). کلمه‌ی «وثوق» و «ثقه» به معنای اعتماد و اطمینان و وثاقه یعنی محکم و ثابت و موافقه به معنای معاهده‌ی محکم است. راغب اصفهانی می‌گوید: «میثاق، پیمانی است که با سوگند و عهد تأکید شده باشد» (راغب اصفهانی ۱۳۷۳: ذیل ماده‌ی وثق). در این میثاق وثیق، مرد و زن از طریق یک نیروی مرموز الهی به نام عشق و مودّت

و رحمت به هم جذب شده و به نحو آزادانه و کامل به یکدیگر متعهد می‌شوند تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد کند. از این رو، ازدواج، مطلوب‌ترین فرصت برای زیباترین تلاقی چشم‌ها، گیراترین تبادل کلام‌ها، پرجاذبه‌ترین رفتارها، همسوترین اندیشه‌ها، استوارترین گام‌ها، پر رمز و رازترین محرومیت‌ها و تجلی متعالی‌ترین ارزش‌هاست. بنابراین خشونت و خودمحوری‌های زورمدارانه با اصل این میثاق منافات دارد. بر این اساس از عمده‌ترین وظایف مشترک زوجین «مدارا و حُسن معاشرت» است. چنانچه در اصل ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» (منصور ۱۳۷۹: ۱۸۸). در فرهنگ مترقی اسلام - که خود مدافع رفق و مدارا و مخالف سخت‌گیری و خشونت است - بر ترویج روحیه‌ی مدارا، بسیار تأکید شده تا آنجا که نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «أَکْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ خَيْرَکُمْ لِنِسَائِهِمْ»؛ «کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌رفتارترین آنهاست و شایسته‌ترین شما آنهايي هستند که با همسرانشان خوش‌رفتارترند» (صالحی ۱۳۸۵: ح ۲۰۳۳). در مورد خوش‌رفتاری زنان نیز فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حَسَنُ التَّبَعْلِ» «جهاد زن، نیک شوهرداری است» (حرّ عاملی ۱۴۰۹: باب جهاد).

۳) معاشناسی رفق و مدارا

رفق، چنان‌که در کتب لغت آمده، در چند معنا به کار می‌رود:

۱. «کاری را خوب انجام دادن در مقابل بد انجام دادن کار؛ لطافت و نرم‌خویی در مقابل تند خویی و عُنْف» (فراهیدی ۱۴۰۵: ج ۵، ص ۱۷۱).

۲. «میان‌روی و اعتدال در انجام کار؛ محکم‌کاری و دقت در انجام دادن کار در عین آسان‌گیری و تساهل» (طریحی ۱۳۷۵: ج ۱۰، ص ۱۱۸).

مدارا نیز در لغت به معنای ملاحظت، نرمی، ملایمت و احتیاط کردن آمده است. مدارا به معنی حُسن خُلُق و معاشرت نیکو با مردم است» (ابن منظور ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۲۵۵). بنابراین مدارا یا رفق عبارت است از نرم برخورد کردن با دیگران، به آنها جا دادن و در حق آنان خشونت روا نداشتن که در پیدایش سه زاویه‌ی خوش اخلاقی یعنی نرم برخورد کردن، همدمی نیکو و تحمل کردن دیگران به گونه‌ای که از انسان فرار نکنند، نقش فراوانی دارد (دهخدا ۱۳۴۱: ذیل واژه‌ی مدارا). همچنین با توجه به معنای لغوی رفق می‌توان گفت این واژه در زبان عربی بدین معناست که فرد، کاری را به زیبایی و نرمی و با استحکام لازم انجام دهد؛ در مقابل آن فردی است که کاری را با شدت و خشونت و زشتی انجام می‌دهد. مؤید مطلب، آن است که این واژه در مقابل «خُرْق» و «عُنْف» به کار می‌رود که به معنای انجام دادن کار با شدت و خشونت و زشتی است. مدارا نیز با توجه به معنای لغوی آن، عبارت از نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است که گاه برای در امان ماندن از شرّ مردم و گاه برای بهره‌مندی از آنان می‌باشد. اینکه در کتب لغت آن را به «احتیاط» نیز تعریف کرده‌اند، بیانگر همین مطلب است.

نکته‌ی قابل تأمل دیگر اینکه با وجود قرابت معنایی این دو واژه، موارد کاربرد آنها در زبان عربی متفاوت است. رفق عمدتاً در مورد موافقان و دوستان و حداکثر در مورد غیر مخالفان به کار می‌رود؛ در حالی که مدارای احتیاطی، بیشتر در مورد مخالفان و دشمنان به کار می‌رود. استعمال متعدّد این دو واژه در روایات نیز مؤید این مطلب است؛ برای مثال در روایتی آمده است که «لا تحملوا علی شیعتنا و ارفقوا بهم»؛ بر شیعیان ما چیزی تحمیل نکنید و با آنها با رفق برخورد کنید» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۳۳۴). و در روایت دیگری آمده است که «و اما المخالفون فیتکلمهم بالمداراة...»؛ «با مخالفان به روش مدارا برخورد کنید» (ری شهری ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۲۳۹). در این دو روایت در مورد شیعیان واژه‌ی رفق و در مورد مخالفان واژه‌ی مدارا به کار رفته است؛ این معنا در ادبیات عرفانی حافظ نیز به طرز جذّابی طرح شده است:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ ۱۳۸۰: ۴).

البته گاه این دو واژه در معنایی وسیع به کار می‌روند که هم شامل معنای رفق است و هم شامل معنای مدارا؛ برای مثال در روایت «أنا امرنا معاشر الانبیاء بمداراة النَّاس کما امرنا بآداء الفرائض»؛ «ما گروه پیامبران مأمور به مدارای با مردم هستیم همان‌طور که مأمور به انجام واجبات هستیم» (ری شهری ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۲۳۹) و در روایت «انَّ الله عزَّوجلَّ بعث محمداً فامرهُ بالصَّبْر و الرِّفق»؛ «به درستی که خداوند عزَّوجلَّ محمد ﷺ را برانگیخت و او را به

صبر و مدارا امر فرمود» (همان: ۲۳۸)، رفق و مدارا در معنایی وسیع و مترادف با یکدیگر به کار رفته است. در زبان فارسی نیز این دو واژه - به ویژه هرگاه با هم به کار روند- معنایی مترادف با یکدیگر را می‌رسانند، اما مدارا کردن در اصطلاح، به معنای ظلم‌پذیری و ضعیف‌پروری نیست بلکه به معنای درک متقابل از یکدیگر داشتن و تطبیق دادن خود با شرایط و روحیات طرف مقابل است. رفتاری است که موجب جلوگیری از درگیری‌های بی‌فایده و پیوند بیشتر با دیگران می‌شود. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتاری مدارا را می‌توان شامل این موارد دانست:

۱. عفو و بخشش ۲. تحمل کردن رفتار بد دیگران ۳. هم‌مصاحبتی زیبا
۴. خوش اخلاقی ۵. نیکی کردن.

۴) مدارا با همسر در آیینه‌ی روایات

مدارا، بیشترین تأثیر را در اصلاح یا کاستن ناسازگاری همسران دارد. بدون رفق و مدارا نمی‌توان از زندگی بهره‌برد و زندگی بدون بهره‌مندی تنها از شکل برخوردار و لسی فاقد روح و معناست. از این رو حضرت علی علیه السلام مدارا با همسر را در همه حال تأکید فرموده‌اند: «با زنان در همه حال مدارا کنید، خوش‌زبان و نرم‌خو باشید و در تمام امور نیکی کنید» (تمیمی آمدی ۱۳۸۱: ۵۲۹). همین‌طور مدارا با همسر را کلید زندگی با صفا می‌داند. به تعبیری، اگر کسی زندگی خوب و زیبا و با صفا می‌خواهد باید با همسر خود همواره و در همه حال مدارا کند، تا از زندگی شیرین و عاشقانه بهره‌مند

گردد. در این باره امام علی علیه السلام به فرزندش محمدبن حنفیه می فرماید: «در هر حال با همسرت مدارا کن و با او مصاحبت خوبی داشته باش تا زندگی باصفا و سرشار از محبت داشته باشی» (شیخ صدوق ۱۴۱۳: ج ۱۳، ص ۷۵).

از موضع دین پژوهی آثار و برکات بی شماری بر اخلاق مدارا و سازگاری مترتب است. نشان کرامت و بزرگواری، زینت دهنده‌ی زندگی، مایه‌ی یمن و میمنت، قرین خیر و برکت در زندگی، باعث خیر و فزونی و منفعت است (صالحی ۱۳۸۵: ص ۴۳۲، ۲۰۴۵، ۲۸۸۹، ۲۸۹۳، ۲۸۹۵، ۲۹۰۳).

با توجه به اهمیت و ضرورت بحث، در این بخش از نوشتار به برخی از احادیث و روایات پیرامون رفق و مدارا بین همسران اشارت می شود:

- نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرِّفْقَ»؛ «وقتی خداوند برای اهل خانه‌ای خیر و نیکی بخواهد، آنها را با رفق و مدارا قرین سازد» (همان: ح ۲۸۹۰).

- در جای دیگر فرمودند: «مَا أُعْطِيَ أَهْلَ بَيْتِ الرِّفْقِ إِلَّا نَفْعُهُمْ»؛ «مدارا نصیب هیچ اهل خانه‌ای نشود مگر اینکه سودشان بخشد» (همان: ح ۲۹۰۳).

- درباره‌ی رفتار و مدارای مردان نسبت به زنان فرمودند: «إِتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ»؛ «درباره‌ی زنان از خدا بترسید که آنها نزد شما اسیر و گرفتارند» (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۵۱).

همچنین فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوَصِّيكُمُ بِالنِّسَاءِ خَيْرًا... فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا»؛ «خداوند شما را درباره‌ی زنان به نیکی سفارش می کند... پس با زنان

به نیکی رفتار کنید» (صالحی ۱۳۸۵: ح ۲۰۳۷).

شایان ذکر است که آخرین سخنان رسول خدا ﷺ در آستانه‌ی رحلت، توصیه به مدارا و مهربانی با همسر بوده است: «أحسن الناس إيماناً أحسنهم خلقاً أطفهم بأهله و أنا أطفكم بأهلی»؛ «بهترین مردم در دین و ایمان، کسانی هستند که خوش‌خلق‌تر و نسبت به همسر (و خانواده) خود مهربان‌تر باشند و من از همه‌ی شما به همسر (و خانواده) خود مهربان‌ترم» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۸، ص ۳۸۷، ح ۳۴). بنابراین نرم‌خویی و مدارا با همسر مهم‌ترین اخلاقی است که هر زن و مردی باید در زندگی داشته باشد تا در سایه‌ی آن بتواند یک زندگی با صفا تجربه کند.

به هرحال این سفارش پیشوایان دین در باب محبت و مدارا به همسر، خود گویای اهمیت و ضرورت مسئله و ارائه‌ی الگوی سازگاری است.

۵) خصوصیات همسران سازگار و اهل مدارا

یکی از مکانیسم‌های ارائه‌ی الگوی رفتاری تتبع و بررسی ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات ارتباطی مصادیق آن الگو است. از این رو، قبل از تبیین و ارائه‌ی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی سازگاری و مدارا با همسر به مطالعه و بررسی خصوصیات این همسران - با رهیافتی برون دینی (روان‌شناختی) و درون دینی (اسلامی) - می‌پردازیم.

۱-۵) رهیافت برون‌دینی (موضع روان‌شناسی)

اخلاق مدارا و سازگاری که از طریق عشق و علاقه‌ی متقابل، توجّه به حقوق یکدیگر، پذیرش و درک متقابل و ارضای نیازها حاکمیت می‌یابد، به طور قطع بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه روان‌شناسی، سازگاری به عنوان سنگ بنای عملکرد خانواده ایفای نقش والدینی را آسان ساخته، عمر زن و شوهر را طولانی می‌کند (Coombs 1991:97) و باعث افزایش سلامتی (Demo 1996: 386) و توسعه‌ی اقتصادی (Waite 1994: 23) و رضایتمندی بیشتر از زندگی می‌شود (Nock 1995:16).

از دیدگاه روان‌شناسانی نظیر اسپنچر^۱ و لئونارد^۲، خصوصیات زوجین مداراگر و سازگار به شرح زیر است:

- احساس خوشبختی زن و شوهر با رابطه‌ای که با هم دارند؛
- ارضای کامل نیازهای جسمانی و عاطفی یکدیگر؛
- سعی و تلاش در باروری زندگی و شکوفایی استعدادهای طرف مقابل؛
- احترام و ایجاد احساس ارزشمندی برای یکدیگر؛
- مراقبت و پشتیبانی متقابل و احساس آرامش، از بودن در کنار همدیگر؛
- احساس مسئولیت اختیاری (و نه اجباری) نسبت به ادای حقوق و رفع

1-Schumacher
2-Leonard

نیازهای طرف مقابل؛

- توجه به رفاه و خوشبختی یکدیگر؛

- پذیرش و درک متقابل (Schumacher & Leonard 2005:28-39).

براساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌ها همسرانی که از مدارا و سازگاری بالایی برخوردارند بیشتر از کلمات و عبارات محبت‌آمیز، تأییدکننده و حمایت‌کننده استفاده می‌کنند و در تعاملاتشان نوعی احساس شوخ‌طبعی داشته، تبادل اطلاعات جدید را سهولت می‌بخشند؛ ولی افراد کم مدارا و با سازگاری پایین در استفاده از تأیید بسیار خشک و خشن بوده، از رفتارهای همسر، شاکي و گله‌مندند. آنها در عین حمله و خشونت به طرف مقابل با بیانات توجیهی قصد دفاع از خویشان را دارند (Kelly, El & Conely 1987:27-40).

همچنین هاوز^۱ و همکارانش در تحقیقات خود نشان داده‌اند زوج‌هایی که توانایی درک پذیرش افکار و احساسات یکدیگر را داشته باشند در زندگی زناشویی سازگارتر و از اخلاق مدارا برخوردارترند (Hows, W.A 1998: 297). نتیجه‌ی پژوهش دیگر اینکه توافق داشتن نسبت به موضوعات مهم زندگی یکی از مسائلی است که در توفیق و سازگاری زناشویی نقش مؤثری داشته و می‌تواند از خصوصیات همسران مداراگر به شمار آید (Markowski 1984: 300-308). گاتمن^۲ معتقد است زوج‌هایی که عقاید

1-Hows

2-Gottman

و نگرش‌های یکسان و هماهنگی دارند، در زندگی زناشویی سازگارترند
(Gottman1993: 45-57).

۲-۵) رهیافت درون دینی (موضع دین)

از دیدگاه اسلام نیز اوصافی همچون خوش‌رویی، صداقت و صمیمیت، داشتن روابط عاشقانه، خوش‌بینی، عفو و بخشودگی و چشم‌پوشی از خطاها، تعهد، عذرخواهی، احترام و تکریم به شخصیت همسر، وفای به عهد، هدیه دادن و قدردانی را می‌توان از خصوصیات همسران سازگار و اهل مدارا به شمار آورد (حرّعاملی ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۱۳، باب ۹۱-۸۱؛ محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۹، باب ۷۵-۶۶).

قرآن کریم در سوره‌ی تحریم اوصافی را برای همسران شایسته برشمرده که با توجه به سیاق آیه می‌تواند به عنوان ویژگی‌های زوجین سازگار لحاظ گردد؛ «عسی ربّه إن طَلَّقَنَّ أَنْ یبدله أزواجاً خیراً مَنکنَّ مسلماتٍ مؤمناتٍ قانتاتٍ تائباتٍ عابداتٍ سائحاتٍ ثیباتٍ و أبکارا»؛ «اگر شما را طلاق دهد چه بسا پروردگارش همسرانی بهتر از شما به او عوض دهد همسرانی مسلمان، مؤمن، مطیع، توبه‌کار، عابد، روزه‌گیر، بیوه و دوشیزه»^۱. اولین مورد از این خصوصیات، اسلام (مُسلِماتٍ) و سپس ایمان (مؤمناتٍ)، یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند، پس از آن حالت قنوت (قانتاتٍ)، یعنی

۱- تحریم: ۵

تواضع و اطاعت از همسر - که بارزترین خصوصیت همسرانِ اهل مداراست - و بعد از آن توبه (تائبَت)، یعنی اگر خلافی از او سرزند بر اشتباه خود اصرار نوزد و از پوزش و عذرخواهی دریغ نکند، سپس عبادت خدا (عِبَادَتِ)، عبادتی که روح و جان او را بسازد و پاک و پاکیزه گرداند و در نهایت اطاعت از فرمان خدا (سَائِحَاتِ) و پرهیز از هرگونه گناه و خیانت است (مکارم شیرازی: ۱۳۷۹: ج ۲۴، ص ۲۷۹). از روایات اسلامی نیز موارد دیگری به عنوان خصوصیات همسران سازگار و اهل مدارا استنباط می‌شود که عبارت‌اند از: إکرام و احترام به همسر (حر عاملی: ۱۴۰۹: ج ۲۰، باب ۸۶ ص ۱۶۷)، همکاری و خدمت به زن در امور منزل (همان: باب ۸۹ ص ۱۷۳)، روحیه‌ی عفو و بخشودگی و إحسان به همسر (همان: باب ۸۸ ص ۱۶۹) و فرهنگ تشکر و هدیه دادن (همان: ج ۱۵، ص ۲۲۷: کلینی: ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۱۴۹).

۶) راهبردها و عوامل مؤثر در تداوم اخلاق مدارا با همسر از منظر اسلام

یکی از مباحث مهمی که نیاز به کاوش‌های محققانه داشته و خود به تنهایی ارائه دهنده‌ی الگوها و مدل‌های تعلیمی - تربیتی و حاوی سبک و سلوک موفق در رفتارِ مداراگونه با همسر است، بررسی و ارائه‌ی معیارها و شاخص‌های اخلاق مدارا و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم سازگاری بین همسران با رهیافت درون دینی است که این خود پژوهشی مستقل و مفصل می‌طلبد. لیکن به اقتضای تناسب بحث، به چند مورد از این راه‌کارها

به عنوان شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی و مدارا با همسر با تأکید بر آموزه‌های اسلامی اشاره می‌شود.

۶-۱) عشق و مودت (مهربانی و محبت)

یکی از مهم‌ترین عوامل مداراگرایی و مدیریت نظام خانوادگی مبتنی بر رفق و سازش حفظ محبت و علاقه علی‌رغم وجود شرایط سخت و تحمل‌ناپذیر و جلوگیری از حالت یکنواختی و فرسایشی شدن روابط همسری است. محبت در قلب زن نسبت به مرد و عشق در قلب مرد نسبت به زن از نشانه‌های وجود خداوند و از نعمت‌های خاص الهی است و از مهم‌ترین علل تداوم زندگی و ظهور صفا و صمیمیت و به تبع آن حاکمیت اخلاق مدارا و سازگاری بین همسران به شمار می‌آید. بنابراین به حکم عقل «حفظ عشق و محبت و تشدید آن بر زن و مرد لازم و دوری از علل نابودی آن واجب است» (انصاریان ۱۳۷۸: ۲۶)، چرا که همسران با اعلام محبت خود می‌توانند دل‌های یکدیگر را به خود جلب کنند. پر واضح است صرف دوست داشتن و علاقه‌ی قلبی به یکدیگر کفایت نمی‌کند بلکه آنچه رفق آفرین و مدارابخش است اظهار محبت و اعلام مودت است. توصیه‌ی اکید دین لطیف اسلام بر این است که محبت قلبی خود را به زبان بیاور و آن را اظهار کن. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قول الرجل للمراة انی احبک لا ینهب من قلبها ابداً»؛ «سخن مرد به همسرش که «دوستت دارم» هرگز از قلبش بیرون نخواهد رفت» (حرّ عاملی ۱۳۹۱: ج ۱۴، ص ۱۰). در روایت دیگری از امام

صادق علیه السلام ابراز محبت به همسر، نشانگر رشد ایمان و انسانیت معرفی شده است: «العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد في الايمان فضلا»؛ «هر اندازه محبت انسان به همسر بیشتر شود، ایمان او افزون‌تر خواهد شد» (همان: ۱۱). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «كل من اشتد لنا حبا اشتد للنساء حبا»؛ «هرکس ما را بیشتر دوست داشته باشد، زنان را نیز بیشتر دوست دارد» (حرّ عاملی ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۲۴).

ناگفته پیداست که منظور از عشق و محبت به همسر در این روایات غیر از عشق جنسی و مجازی است، چرا که از یک سو اصالت دادن به امیال جنسی و افراط در این نوع از محبت در دین مبین اسلام نکوهش شده است (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۹۴) و از سوی دیگر عشق جنسی صرف - و به تعبیر عرفای شامخ، عشق مجازی- که مبدأ آن ترشح غدد جنسی و پایانش ارضای زودگذر است، هرگز نمی‌تواند مایه‌ی استواری و پایداری روابط زناشویی و عامل مدارا و سازگاری باشد (ویل دورانت ۱۳۶۹: ۲۱۴)، بلکه منظور از عشق به همسر در این روایات که لازمه‌ی استمرار زندگی و مایه‌ی نشاط و حلاوت و تداوم بخش اخلاق مدارا و سازگاری بین همسران است همانا عشق روحانی و داشتن عواطف انسانی نسبت به این جنس است که خود مقدمه‌ی عشق حقیقی و تعالی بخش روح انسانی به سوی جمال و ارزش‌های ازلی است.

از آنجا که زن موجودی عاطفی است نیاز او به محبت بیش از مرد

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

بوده و شاید به همین سبب خداوند نسبت به زنان بیش از مردان، عطف و مهربان است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «انَّ الله تبارک و تعالی علی النساء ارف منه علی الذکور»؛ «خداوند متعال نسبت به زنان بیش از مردان، مهربان است» (فیض کاشانی ۱۳۶۲: ج ۳، ص ۱۱۹). درباره‌ی رفتار آن حضرت با زنان، بیان شده است: «کان رسول الله ﷺ ارحم الناس بالنساء و الصبیان»، «پیامبر خدا ﷺ مهربان‌ترین مردم نسبت به زنان و کودکان بود» (همان: ۹۸). بنابراین بهتر است شوهر آغازگر ابراز محبت و تداوم‌بخش آن باشد. در این صورت، علاقه‌ی زن نسبت به شوهر شدت یافته و درصدد ابراز محبت برمی‌آید.

ساختار وجودی و خصوصیات فطری زن او را به شدت نیازمند محبت همسر قرار داده است. زنی که از این موهبت بی‌بهره باشد، همواره با حسرت تمام درصدد جبران این کمبود روحی خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «انَّ المرأة خلقت من الرجل و انما همتها فی الرجال، فأحبوا نساءکم»؛ «همانا زن از مرد آفریده شده و توجه او به مردان معطوف است، پس زنانان را دوست بدارید» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۱۰۳، ص ۲۲۶).

محبتی که تداوم‌بخش اخلاق مدارا در زندگی زناشویی است، باید از درون آدمی سرچشمه گیرد و از صمیم قلب برخیزد تا در قلب دیگری اثر بگذارد. با این حال، اظهار محبت و ابراز آن به دو صورت انجام می‌گیرد؛ اول ابراز محبت عملی که در برخورد ملایم و محبت‌آمیز فرد نمایان می‌شود و بدین‌گونه زن محبت مرد نسبت به خود را از رفتار او

درمی‌یابد. دوم، ابراز محبت زبانی و گفتاری که نقش ویژه‌ای در تحکیم پیوند خانوادگی دارد. زن به ابراز محبت زبانی شوهر نیاز دارد و به وسیله‌ی آن از علاقه‌ی قلبی شوهر نسبت به خود اطمینان یافته، آرامش خاطر پیدا می‌کند و هرگز شیرینی آن را فراموش نمی‌کند.

گفتنی است عشق و محبت امری متقابل و وظیفه‌ای طرفینی است و همان‌گونه که محبت مرد به همسرش مایه‌ی خوشبختی خانواده است، مهربانی و محبت زن به شوهرش نیز موجب استحکام روابط و حاکمیت اخلاق مدارا و سازگاری در عرصه‌ی زندگی خواهد بود. در سخنان پیشوایان دین، به زنان سفارش شده که با محبت و مهربانی رضایت و خشنودی شوهر را به دست آورند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین زنان شما زنانی هستند که عشق و محبت داشته باشند» (همان: ج ۱۰۳، ص ۲۳۵). حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند: «بعضی از زنان برای شوهر بهترین غنیمت‌اند و آنها زنانی هستند که به شوهرشان اظهار عشق و محبت می‌کنند» (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۵۳۲)، اما در عشق زن و مرد همواره عامل مهمی چون اراده، نادیده انگاشته می‌شود. عاشق کسی بودن فقط یک احساس شدید منفعلانه نیست بلکه نوعی تصمیم و خواستن فعالانه و آگاهانه است که از معرفتی عمیق و شناختی جامع نشئت می‌گیرد (فروم ۱۳۵۴: ۲۷). در واقع پای‌بندی به پیمان محکم و میثاق غلیظ ازدواج و از همه مهم‌تر تداوم اخلاق مدارا و سازگاری با همسر، بدون چنین عشق و محبتی، امکان‌پذیر نیست.

۶-۲) حق سالاری توأم با ایثار و گذشت

از دیگر راهبردهای سازگاری و عوامل مهم در ایجاد و تداوم اخلاق مدارا بین همسران از دیدگاه اسلام حق مداری و رعایت حقوق طرف مقابل است. تأسیس خانواده باید حس مسئولیت‌پذیری و ارائه‌ی خدمات متقابل را در انسان‌ها ارتقاء بخشد و به عنوان یک کانون تربیت، هر یک از همسران در انجام دادن وظایف خود و ادای حقوق دیگری در مسیر آسان‌سازی زندگی بر همسر خود سبقت گیرد تا در پرتو این اصل مرفقی - حق سالاری - اخلاق رفق و مدارا بر روابط همسری حاکم شود.

اسلام نه طرفدار مردسالاری است و نه موافق زن‌سالاری؛ محور قوانین اسلامی بر پایه‌ی حق سالاری و کرامت انسان و مصلحت نهاد خانواده است. در چنین نظامی مرد و زن حق‌گرا و کارگزار ارزش‌ها بوده نسبت به خانواده و جامعه‌ی خود مسئول‌اند. در آموزه‌های مرفقی اسلام بر اصل خدمت با انگیزه‌های الهی و معنوی بسیار تأکید شده و آنچنان پاداش‌هایی بر آن مقرر گردیده که هر انسان صاحب‌دلی را به خدمت‌گزاری و فعالیت خالصانه نسبت به همسر خود مشتاق می‌کند؛ از باب نمونه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات متعدّد درباره‌ی خدمت مرد به همسر فرمودند: «به همسر خود خدمت نکنند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد» (ری شهری ۱۳۷۵: ح ۷۸۸۱). در احادیث معصومین علیهم السلام آمده است: «همانا مرد به خاطر اینکه لقمه‌ای در دهان همسرش می‌گذارد، پاداش

الهی می‌گیرد» (همان: ح ۷۸۸۵) و «هرگاه مرد به زن خود آبی بنوشاند، پاداش برد» (همان: ح ۷۸۸۰). همچنین در باب خدمت زن به شوهر، چنین روایت شده است: «هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند، خداوند هفت در دوزخ را به سوی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید تا از هر در که خواهد وارد شود» (حرّعاملی ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۱۷۲، ح ۲۵۳۴۲). در جای دیگر آمده: «هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند مگر آنکه این عمل او برایش بهتر از یک سال عبادت باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شب‌هایش را به عبادت سپری کند» (همان: ح ۲۵۳۴۳).

پر واضح است که این رویکرد علاوه بر پرورش روحیه‌ی سازگاری با همسر موجبات نشاط‌آفرینی، روان‌سازی زندگی، تفاهم و تعاون دائمی، تعمیق محبت‌ها، فروتنی و در نهایت کسب ثواب اخروی و رضایت الهی را فراهم می‌سازد. تجربه نشان داده، توقّعات بیجا و انتظارات غیر واقع‌بینانه از همسر یکی از علل ناسازگاری و ناکامی در زندگی به شمار می‌آید. با چنین توقّعاتی اگر هر یک از همسران نتواند انتظارات دیگری را برآورده سازد، اختلاف و کشمکش بر روابط حاکم شده و آرامش و سازش به خشونت و ناسازگاری تبدیل می‌شود، لیکن اگر همسران از درک متقابل و شناخت کافی از وضعیت روحی، حقوق، توانایی‌ها و نقاط قوت و ضعف همدیگر برخوردار بوده و بر اساس آن توقّعات و انتظارات خود را تنظیم کنند، به‌طور قطع، اخلاق رفیق و مدارا بر زندگی خانوادگی حاکم خواهد شد. درک

شرایط و موقعیت همسر و نیز شناخت روحیات او می‌تواند به همدلی و هماهنگی بیشتر منجر شود. چنین همسرانی در زندگی پشتیبان یکدیگر و در مشکلات، غمخوار همدیگرند. نقل شده است که روزی رسول خدا ﷺ به خانه علی ﷺ وارد شدند. او و فاطمه ﷺ را دیدند که با کمک یکدیگر با آسیاب دستی غله آرد می‌کنند. پیامبر ﷺ فرمودند: کدام یک خسته‌ترید؟» علی ﷺ عرض کردند: «فاطمه خسته‌تر است». پیامبر ﷺ به فاطمه ﷺ فرمودند: «دخترم! برخیز». او برخاست و پیامبر ﷺ به جای وی نشسته و به علی ﷺ در آرد کردن غله کمک کردند (مجلسی: ج ۴۳، ص ۵۰). یکی از راه‌کارها و توصیه‌های مهم اخلاقی اسلام در تداوم روحیه‌ی مدارا بین همسران پرهیز از توقعات نابجا نسبت به همدیگر است؛ چرا که پُرتوقعی، صفتی ناپسند و محصول کبر و غرور بوده، موجب کدورت، کینه و نفرت و در نتیجه نابودی بنای عشق و صمیمیت می‌شود. بنابراین ارزنده است که همسران در تمام امور زندگی انتظارات و توقعات خود را کنترل کنند؛ زیرا اجرای این اصل اخلاقی باعث زیبایی زندگی و استحکام بنیان خانواده می‌شود (انصاریان ۱۳۷۸: ۴۵). از این رو در آموزه‌های اسلامی، از روحیه‌ی قناعت و بسندگی به عنوان نعمت و برکت، نشانه‌ی مروت و جوانمردی، مایه‌ی رضایت و خرسندی (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۱، صص ۴۸ و ۹۸ و ۱۹۵)، موجب عزت و ارجمندی (همان: ج ۲، ص ۱۷۴)، جمال و زیبایی زندگی (همان: ج ۳، ۳۶۳)، وسیله‌ی سعادت و نیکبختی انسان در زندگی، نهایت اعتدال

و میانه‌روی (همان: ج ۴، صص ۱۳۰ و ۳۷۱)، تجلی عقل و خردورزی (همان: ج ۵، صص ۱۵۰)، نشانه‌ی بلندهمتی و در نهایت بهترین خصلت اخلاقی (همان: ج ۶، صص ۴۴ و ۱۶۶) یاد شده است. بدون تردید، حاکمیت اخلاق مدارا در زندگی مشترک بدون کسب مناعت طبع و ملکه‌ی قناعت امری محال و دست نیافتنی است.

۶-۳) خوش خلقی و گشاده‌رویی نسبت به همسر

یکی دیگر از راهبردهای مؤثر در تقویت روحیه‌ی سازگاری و از شاخص‌های اصیل الگوی مدارا با همسر، نیک‌خویی و خوش‌رفتاری است. آموزه‌های دینی، ریشه‌ی بسیاری از خوبی‌ها و اعمال پسندیده را در خوش‌خلقی می‌داند. محیط دوستانه و محبت‌آمیز و زندگی فاقد نگرانی‌های روحی در سایه‌ی خوش‌رفتاری و گشاده‌رویی تحقق می‌یابد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لاعیش أهنأ من حسن الخلق»؛ «چیزی همانند خوش‌خلقی زندگی را گوارا نمی‌سازد (همان: ۱۳). به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شاید احتمال بدخلقی و سوء معاشرت از مرد - به جهت ویژگی‌های شخصیتی و نوع مسئولیت‌هایی که شارع مقدس به عنوان سرپرست خانواده بر عهده‌ی او گذاشته (نساء: ۳۴) - بیشتر باشد، لذا خطاب آیات و روایات نسبت به مرد مبنی بر خوش‌رویی و حسن معاشرت با همسر نیز غالب است. قرآن کریم با استقرار اصل معروف به عنوان وظیفه‌ای در روابط بین همسران در دوازده مورد به نهادینه کردن این اصل اخلاقی در خانواده می‌پردازد که

اغلب این آیات خطاب به مردان، مبنی بر رعایت مدارا و تعادل رفتاری در برقراری روابط انسانی و اخلاقی با همسر است (میرخانی ۱۳۸۰: ۱۸۳). از جمله آیه‌ی شریفه‌ی «و عاشروهنّ بالمعروف»؛ «با همسران خود به شایستگی و نیکی رفتار کنید» (نساء: ۱۹). علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل و حکم شرع و فضیلت و محاسن خُلق نیکو و سنّت‌های حسنه در آداب است» (طباطبایی ۱۳۷۰: ج ۲). تأکید وحی بر حُسن خُلق و خوش‌رویی تا جایی است که حتی نسبت به زنان مطلقه می‌فرماید: «و إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْسَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تَمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لَتَعْتَدُوا»؛ «و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روز «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید) یا به طرز پسندیده آنها را رها سازید و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن آنها را نگاه ندارید!» (بقره: ۲۳۱). اشاره به اینکه یا با صمیمیت و ملاحظت و رفتار شایسته، همسران‌تان را نگه دارید و زندگی زناشویی را با خوش‌خلقی و بر اساس معروف ادامه دهید و اگر هیچ‌گونه زمینه‌ی سازش و مدارا بین شما نیست، با رفتاری منطقی و معقول و به دور از هرگونه آزار و خشونت از یکدیگر جدا شوید (مطهری ۱۳۵۷: ۳۲۲).

سنّت نبوی ﷺ و سیره‌ی عملی ائمه‌ی معصومین ﷺ نیز گواه روشنی بر اصل خوش‌خلقی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی مدارا با همسر است. تا جایی که در منابع حدیثی شیعه، بابی تحت عنوان

«باب استحباب زیاده الرقه علی الأناث» اختصاص یافته است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیکوترین مردم در دریافت حقیقت ایمان را کسی می‌داند که نسبت به همسر و اهل خویش مهربان‌تر و خوش‌خلق‌تر باشد: «أحسن الناس ألطفهم بأهله و أنا ألطفکم بأهلی» (حرعاملی ۱۳۹۱: ج ۱۴، باب ۱۱) و در جای دیگر فرمودند: «خيارکم خيارکم لنسائهم»؛ «شایسته‌ترین شما، خوش‌رفتارترین شما با همسرانشان هستند» (صالحی ۱۳۸۵: ج ۱۴۷۷). به علاوه، آموزه‌های دینی به توصیه و تشویق خوش‌خلقی اکتفا نکرده بلکه بر نهی از خشونت و بدرفتاری با همسر نیز تأکید می‌ورزد. از موضع روایات، اعمال و رفتار خشونت‌آمیز با روابط عاطفی و صمیمی که بایستی بین زوجین باشد منافات دارد (آلوسی ۱۳۴۵: ج ۵، صص ۲۷-۲۵). حضرت رسول صلی الله علیه و آله در کلامی می‌فرماید: «إني أتعجب ممن يضرب إمرأته و هو بالضرب أولى»؛ «در تعجبم از کسی که همسر خود را می‌زند در حالی که خود به کتک خوردن سزاوارتر است» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۱۰۰، ص ۲۴۹). حضرت تأکید می‌فرمودند که در روابط رفتاری خود با همسران ایشان را به واسطه‌ی ضرب اذیت و بازشتی و رفتار قبیح با آنان برخورد نکنید: «لا تضربوهنَّ و لا تقبحوهنَّ».

۶-۳-۱) موجبات خوش اخلاقی

با اینکه در روایات اسلامی از خوش اخلاقی به عنوان نشانه‌ی نیک‌تباری امام علی علیه السلام فرمودند: «نعم الحسب حسن الخلق»؛ «خوش خلقی خوب‌تباری است» (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۶، ص ۱۶۵ و ۳۶) و برتری نژاد چنان‌که

فرمودند: «من اشرف الاعراق کرم الاخلاق»؛ «از نشانه‌های برتری نژادها، خلق‌های نیکو و بخشنده است» (همان: ۳۶) و ناشی از کرامت نفس و اصالت نژاد «أطهر النَّاسِ اعرافاً احسنهم اخلاقاً»؛ «پاکیزه‌ترین مردم از لحاظ نژاد و اصالت است» یاد شده است (همان: ج ۲، ص ۴۰۵)، با این وصف همسرانی که بداخلاق بوده یا از صفات ارزشمند اخلاقی کم بهره‌اند، می‌توانند در پرتو سعی و کوشش و با ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی به اصلاح رفتار و کردار خود پرداخته، موجبات خوش اخلاقی را فراهم کنند. از آنجا که بررسی و بیان همه‌ی این عوامل پژوهشی مفصل و مستقل می‌طلبد، لذا در این مقال فقط به بیان دو عامل مهم و مؤثر در رشد و پرورش خوش اخلاقی بسنده می‌شود.

۶-۳-۱-۱) ایمان

گرچه خوش رفتاری یکی از صفات پسندیده‌ی انسانی است، ولی از آنجا که دین‌ورزی به باروری بیشتر صفات اخلاقی کمک شایانی می‌کند، دین مبین اسلام سفارش‌ها و توصیه‌های زیادی در جهت نیک‌خویی به متدینان دارد، لذا هرکس که ایمان بیشتری دارد، از رفتار نیکو و کرامت‌های اخلاقی بیشتری نیز بهره‌مند است. البته با اینکه ایمان یکی از عوامل رشد خوش اخلاقی است، ولی ممکن است کسی ایمان داشته باشد، لیکن به خاطر فقدان عوامل دیگر خوش اخلاق نباشد، چنان‌که عکس آن هم امکان دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الخلق الحسن نصف الدین»؛ «خلق

نیکو نصف دین است» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۱، ص ۳۸۵). در سخنی دیگر، اسلام و مسلمانی را در خوش اخلاقی معرفی کرده و فرمودند: «الاسلام حسن الخلق» «دین اسلام خوش اخلاقی است» (متقی ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۱۷). انسانی که براساس توصیه‌های دینی باور دارد بد اخلاقی با همسر موجب قهر و عذاب الهی - و از آن جمله فشار قبر برای روشن شدن تأثیر بد اخلاقی در گرفتار شدن انسان به عذاب الهی تأمل در ماجرای دفن (سعدبن معاذ) سودمند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مراسم تدفین آن مجاهد و یار با وفای خود از او تجلیل کرد و احترام زیادی برایش قائل شد. مادر سعد وقتی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را مشاهده کرد، گفت: «پسرم! بهشت بر تو گوارا باد». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مادر سعد! این گونه قضاوت مکن، زیرا سعد اکنون گرفتار فشار قبر است». اصحاب با تعجب پرسیدند: «با این همه احترام و تجلیل شما، چرا او دچار فشار قبر است؟» حضرت فرمودند: «انَّه كان في خلقه مع اهله سوء»؛ «او با خانواده‌اش (قدری) بد رفتار بود» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۳، صص ۲۹۸ و ۲۹۹). می‌شود، به یقین در برخورد و روش اخلاقی خود دقت کرده و خوش اخلاق و گشاده رو خواهد بود تا خشنودی خدا را به دست آورد. در روایتی آمده است: به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند که فلان شخص زن خوبی است؛ روزها روزه دارد و شب‌ها عبادت می‌کند، ولی بد اخلاق است و با زبانش همسایگانش را آزار می‌دهد. آن حضرت فرمودند: «لا خیر فیها، هی من اهل النار»؛ «در او

خیری نیست، وی از اهل دوزخ است» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۱، ص ۳۹۴).

۶-۳-۱) تمرین و ممارست برای ایجاد ملکه‌ی فضایل

به طور کلی، تمرین از عوامل مهم رشد و پرورش صفات اخلاقی و کسب ملکات پسندیده‌ی انسانی به شمار می‌آید. از دیدگاه پیشوایان دینی نقش ممارست و تکرار در عادت و حصول ملکه‌ی اخلاقی انکارناپذیر است. چنان‌که امام علی علیه السلام فرمودند: «عوْدُ نفسک فعل المکارم»؛ «نفس خویش را به انجام اعمال پسندیده عادت بده» (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۴، ص ۳۲۹). از نگاه حضرت علی علیه السلام تمرین و تکرار نسبت به یک خصلت زیبا یا زشت، آن را به صورت عادت یا طبیعت دوّم انسان در می‌آورد: «العاده طبع ثان»؛ «عادت، طبیعت دوم است» (همان: ج ۱، ص ۱۸۵). وقتی چیزی به صورت عادت انسان جلوه‌گر شد، به تدریج بر وجود او مسلط می‌شود. به فرموده‌ی امیر مؤمنان علیه السلام: «العاده علی کلّ انسان سلطان»؛ «عادت بر هر انسانی حکومت می‌کند» (همان: ج ۵، ص ۲۸). در هر ازدواجی، زن و شوهر به محیطی قدم می‌گذارند که زندگی در آن برایشان تازگی دارد. از این رو، بر آنان لازم است که در رفتارشان با یکدیگر به فضایل اخلاقی و آداب متناسب با زندگی خانوادگی توجه داشته و با تمرین برای ایجاد و کسب ارزش‌های اخلاقی بکوشند تا آن ارزش‌ها به صورت ملکه درآیند، به گونه‌ای که بدون هیچ زحمت و تکلفی با همسر و فرزندان خویش، رفتار نیک داشته باشند. همان طور که آن امام همام علیه السلام فرمودند: «کفی بفعل

الخير حسن عادة؛ «عادت نیکو برای انجام دادن عمل نیک، کفایت می‌کند» (همان: ج ۴، ص ۵۷۷).

۶-۳-۲) آثار و مظاهر خوش اخلاقی

نقش خوش خلقی و گشاده‌رویی در تأمین سعادت زندگی بسیار عمیق و فراگیر بوده، در تمام شئون خانواده - مثل روابط اخلاقی زن و شوهر و نیز شیوهی تربیت فرزندان- اثرگذار است. در روابط زناشویی به صورت‌های گوناگون می‌توان خوش اخلاقی را نشان داد و محبت و صمیمیت را به همسر هدیه کرد. اینک به برخی از آثار و جلوه‌های زیبای خوش اخلاقی - که تأثیر شگرفی در ایجاد و تداوم روحیه‌ی مدارا بین همسران دارد- اشاره می‌شود.

۶-۳-۱) نرم‌خویی

از ویژگی‌های افراد مؤمن نرم‌خویی و رفتار توأم با ملاحظت و فروتنی است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «انّ المؤمنین هینون لیتون»؛ «همانا مؤمنان، فروتن و نرم‌خویند» (همان: ج ۲، ص ۵۴۰). رفتار زن و شوهر براساس نرم‌خویی، بذر دوستی و صفا را در دل می‌کارد و کینه و اختلاف را از بین می‌برد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «و من تلن حاشيته يستدم من قومه المودّة»، «هرکس خوی نرم دارد، از محبت دایمی خویشاوندانش برخوردار خواهد بود» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۴۰، ص ۱۶۳). با نرم‌خویی توفیق انسان

در زندگی توأم با صلح و آرامش بیشتر می‌شود؛ زیرا بازتاب منفی نداشته، موجب همکاری دیگران با وی خواهد بود. گاهی نیز نرم‌خویی با افراد خصمناک و درشت‌خو - به غیر از ظالمین و متکبرین - مایه‌ی تحوّل و در نتیجه خوش‌رفتاری آنها می‌شود. این مسئله در محیط خانواده به شکل بارزتری خودنمایی می‌کند. بدین جهت نرم‌خویی در خانواده بهترین روش برای کامیابی و پرهیز از اختلاف و درگیری است. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند: «لن لمن غالظک فأنه یوشک أن یلین لک»؛ «در برابر کسی که با تو درشتی می‌کند، نرم‌خو باش، زیرا زود باشد که نسبت به تو نرم‌خویی کند» (نهج البلاغه ۱۳۲۶: نامه ۳۱، ص ۹۳۲). البته واضح است که مقصود از نرم‌خویی، سستی و بی‌تفاوتی نیست، چرا که مؤمنان در عین نرم‌خویی از سستی و کسالت به دور و در عین قاطعیت و جدیت از خشونت و تندخویی برکنارند. حضرت امیر علیه‌السلام فرمودند: «ولن لیّنا من غیر ضعف، شدیداً من غیر عنف» «نرم باش بدون ضعف، سخت (قاطع) باش بدون خشونت» (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۴، ص ۶۵).

۶-۳-۲) نرم‌زبانی

مقصود از نرم‌زبانی این است که انسان برای بیان مقاصد خود از سخنان ملایم و گفتار محترمانه استفاده کند و از خشونت و تندی در گفتار پرهیزد. نرم‌زبانی در محیط خانواده اغلب زمینه‌ی درگیری و ناراحتی را از بین برده، محبت و سازگاری را بر روابط همسری،

حکم فرما می‌سازد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «عَوْدَ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلَ السَّلَامِ يَكْثُرُ مَحَبُّوكَ وَ يَقَلُّ مَبْغُضُوكَ»؛ «زبان‌ت را به گفتار نرم و سلام دادن عادت بده، تا دوستان‌ت زیاد و دشمنان‌ت کم شوند» (همان: ج ۴، ص ۳۲۹). بین اخلاق انسان و گفتار او ارتباط کامل وجود دارد و هرگونه تغییر در اخلاق تأثیر عمیقی در شیوه‌ی بیان و نوع گفتار او می‌گذارد. به قطع، در گفتار شخص بداخلاق تندی و خشونت موج می‌زند و بخش عمده‌ای از بدخلقی او از مجرای گفتارش بروز می‌کند. برعکس، اخلاق نیکو در گفتار نیز تأثیر مثبت و نیکو گذاشته، سخن را از لطافت خاصی برخوردار می‌سازد. چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «إِذَا حَسُنَ الْخَلْقُ لَطِفَ النَّطْقِ»؛ «هنگامی که اخلاق نیکو شود، سخن لطیف گردد» (همان: ج ۳، ص ۱۴۳).

۶-۳-۲-۳) ایجاد انس و محبت

انس و محبت از نیازهای ابتدایی و ضروری کانون خانواده بوده، زندگی بدون آن دچار نابسامانی‌های فراوان می‌شود. انس زن و شوهر نسبت به یکدیگر، جز در پرتو خوش اخلاقی و نیک رفتاری حاصل نمی‌شود. هرکس که دوستدار محبت و خواهان نفوذ در دل دیگران است، هیچ راهی بهتر از خوش اخلاقی نخواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمودند: «علیک بحسن الخلق فانّه یکسبک المحبة»؛ «خوش خلق باش که برایت محبت جلب می‌کند» (همان: ج ۴، ص ۲۸۸). انسان خوش اخلاق همواره با زبانی نرم با دیگران سخن می‌گوید و بدین جهت آنان را تحت تأثیر قرار داده، محبتشان

را به خود جلب می‌کند. حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «بلین الجانب تانس النفس»؛ «با نرم‌خویی دیگران با انسان مأنوس می‌شوند» (همان: ج ۳، ص ۲۱۷). کسی که همواره با همسرش بداخلاقی و بدرفتاری می‌کند و با زبانی تند و خشن با او سخن می‌گوید، نباید انتظار داشته باشد که همسرش با او مأنوس شده، نسبت به او عواطف و احساسات دوستانه‌ای ابراز کند. بداخلاقی و خشونت، ارمغانی جز دوری همسران از یکدیگر و سرکوبی عواطف محبت‌آمیز آنها ندارد. تنها در پرتو خوش اخلاقی با همسر است که می‌توان انس و محبت را در محیط خانواده به وجود آورده و رفق و مدارا را بر روابط حاکم کرد.

۶-۳-۲-۴) مانع خشونت و کدورت

خوش اخلاقی یکی از بهترین روش‌های حل مشکلات و درگیری‌های خانوادگی است و با نیک‌خویی می‌توان خشونت و کدورت را برطرف ساخته، محیطی آکنده از صفا و دوستی به وجود آورد و زندگی را شیرین کرد. بدین جهت حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «بحسن الخلق يطيب العيش»؛ «با خوش اخلاقی، زندگی شیرین و نیکو می‌شود» (همان: ج ۳، ص ۲۱۸). همچنین فرمودند: «من حسنت خلیفته طابت عشرته»؛ «هرکس اخلاقش نیکو شود، زندگی‌اش پاکیزه و نیک می‌گردد» (همان: ج ۵، ص ۲۳۸). علاوه بر اینها، خوش خلقی باعث راحتی دنیا و خوشی آخرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما یوضع فی میزان امرء یوم القیامة افضل من حسن الخلق»؛ «روز

قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از خُلق نیکو نهاده نمی‌شود» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۲، ح ۲). ایشان به طور خاص در باب خوش‌رویی و حُسن خُلق با همسر فرمودند: «أقربکم منی مجلساً یوم القیامه أحسنکم خلقاً و خیرکم لأهله»؛ «نزدیک‌ترین شما به جایگاه و همنشینی من در روز قیامت، کسانی هستند که نسبت به همسران و اهل خود، بهتر و خوش اخلاق‌تر باشند» (حرّعاملی ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۱۵۳).

۴-۶) مهارت حل مسئله (اصل قبول تفاوت‌ها و مدیریت اختلافات)

از موضع علم، فلسفه و دین اساس خلقت جهان بر اختلاف، تضاد و چندگانگی است. خالق هستی در قرآن کریم می‌فرماید: «ولو شاء ربک اجعل الناس امة واحدة و لایزالون مختلفین»؛ «اگر پرودگارت می‌خواست هر آینه همه‌ی مردم را به اجبار، یک امت واحد قرار می‌داد در حالی که همچنان اختلاف می‌ورزند» (هود: ۱۱۸). گویی تضاد و اختلاف، منشأ خیرات قائمه‌ی جهان بوده و نظام عالم بر آن استوار شده است (مطهری ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۸۸). به قطع، نهاد خانواده نیز از این قانون تکوینی مستثنی نبوده و انواع اختلافات طبیعی، فرهنگی و اخلاقی در آن وجود دارد. سزاوار است در نگاه اول به همه‌ی این اختلافات با دید مثبت و رحمت‌آمیز نگریسته شود، زیرا اختلافات و مشاجرات بین همسری نظر به تفاوت ساختاری، جنسیتی و شخصیتی زن و مرد امری کاملاً طبیعی و بلکه ضروری بوده، چه بسا خود عامل تناسب و تکامل و پیوند وثیق، زمینه ساز رشد و تعالی، أخذ تصمیمات جدید

و سازنده، هدف‌گیری‌های بدیع و کامیابی‌های شیرین و مؤثر در زندگی مشترک شود (هاشمی رکاوندی ۱۳۷۸: ۶۸-۵۷). بنابراین صرف نظر از علل و عوامل دخیل در ایجاد تنش و تعارض، وجود اختلافات در روابط همسری امری مسلّم و اجتناب‌ناپذیر است. با این حال در صورت بروز اختلافات مخرب یکی از نقش‌های کارگری همسران و از عوامل مهم در تحکیم اخلاق مدارا نقش تنش‌زدایی و مدیریت بحران یا به اصطلاح روان‌شناسی مهارت «حلّ مسئله» است که در این موقعیت، هریک از همسران بایستی با دخالت‌های منصفانه و اصلاح‌طلبانه در حلّ اختلاف کمال مدارا و ملایمت را با طرف مقابل داشته باشد.

یکی از مکانیسم‌های حلّ مسئله در روابط همسری، رفتار به مقتضای طبیعت و ساختار فیزیکی و روحی زن و مرد است. توضیح آنکه همان‌گونه که مردان توقع دارند همسر آنها در تمام ابعاد وجودی یک زن به تمام معنا و سرچشمه‌ی لطف و نیکی و صداقت و پاکی باشد، زنان هم از شوهرانی که فاقد روحیات و رفتار مردانه و قدرت تدبیر و ذکاوت و شجاعت و حتی گاهی روحیات خشک و خشن مردانگی بوده و در برخورد با مسائل و مشکلات ضعیف‌النفس و زبون و جبون هستند، به شدت اظهار نارضایتی و گاه نفرت می‌کنند. زن از صمیم دل دوست دارد که همسرش فردی با غیرت و حمیت و اهل تدبیر و کفایت باشد تا در کنار او احساس تکامل و آرامش کرده، در پرتو این روحیه به حل مسائل و مدیریت زندگی بپردازد،

زیرا در هر حال «زن از مرد شجاعت و دلیری می‌خواهد و مرد از زن زیبایی و دلربایی» (مطهری ۱۳۵۷: ۱۷۵). در مقابل، زن با مسلح بودن به سلاح محبت و حسن احترام و اطاعت از شوهر به سهولت می‌تواند در عمق جان او نفوذ کرده و روحش را با روان خویش دمساز و هماهنگ سازد؛ چرا که مردان همواره دوست دارند همسرشان با ابراز محبت و احترام با آنان برخورد کنند. بنابراین زن با برخورداری از جاذبه‌ی قدرتمند عاطفی قادر به حل مسئله و مدیریت بسیاری از اختلافات بوده، هیچ نیازی به اعمال خشونت ندارد. قدرت عاطفی زن، آن قدر کارساز است که به تعبیر ولتر^۱ تمام استدلال‌های عقلی مرد با یک عاطفه‌ی زن، برابری نمی‌کند» بدین ترتیب هر کدام از آنها که در انجام دادن وظیفه‌ی خود کوشاتر باشد، نقش بیشتری در تحکیم خانواده خواهد داشت و اگر هر دو با احساس مسئولیت شایسته وظایف ویژه‌ی خود را به درستی انجام دهند، کشتی خانواده را در برابر امواج حوادث و ناگواری‌های اجتماعی، با سلامتی به ساحل می‌رسانند. به گفته‌ی پروین اعتصامی:

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست ؟

یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان

1- Wolter

چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم

دگر چه باک ز امواج ورطه طوفان

(آموزگار ۱۳۵۵: ۱۲۷).

رویکرد عاطفی زن به مسائل و مشکلات گاهی می‌تواند قدرتمندترین مردان و سرسخت‌ترین دل‌ها را به انعطاف و مدارا بکشاند؛ چراکه «اولین و ملایم‌ترین صفت ممتاز زن، ملایمت و نرمی اوست. ملایمت زنان هم فقط به خاطر مردان نیست، بلکه به نفع خودشان است. سرسختی و خشونت ایشان کاری صورت نمی‌دهد، جز اینکه بدبختی آنها را بیشتر و شوهران را عاصی‌تر می‌کند» (روسو ۱۳۴۹: ۵۰۷). شدت عاطفی و خصلت دگرخواهی زن از عواملی است که وی را متمایل به احترام و تواضع نسبت به همسر خویش می‌سازد. در آموزه‌های تربیتی اسلام، با ظرافت و تعمق بر روحیه‌ی اطاعت‌پذیری و تواضع زن در برابر همسر خویش تأکید شده است رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «می‌خواهی تو را به بهترین گنجینه‌ی مرد خیر دهی؟ زن شایسته‌ای که وقتی بدو نگرود مسرور شود و هرگاه به او فرمان دهد اطاعت کند...» (صالحی ۱۳۸۵: ۲۹۷).

۵-۶) مسئولیت‌پذیری و انجام دادن وظایف همسری

از دیگر شاخص‌های الگوی مدارا با همسر و عامل مؤثر در تأمین سعادت خانواده، حس مسئولیت‌پذیری متقابل همسران است. هر یک از زن و مرد

باید بدانند که با قبول زندگی مشترک، وظایفی بر عهده‌ی آنها قرار گرفته که پیش از تشکیل خانواده از آن آسوده بودند. این مسؤولیت‌ها با توجه به اختیارات، توانایی‌ها و شرایط خاص هر یک از زن و شوهر بر عهده‌ی آنها قرار می‌گیرد؛ مسؤولیت‌هایی از قبیل تأمین هزینه‌ی زندگی، مدیریت خانواده، همسرداری، تربیت اولاد و غیره. وجود این حس، مایه‌ی استحکام پیوند خانوادگی، آسایش و آرامش روحی و حاکمیت اخلاق مدارا در زندگی می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَكُلُّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ مَالِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْهُ»؛ «مرد نگهدارنده‌ی اهل بیت خود است و هر نگهدارنده‌ی در مورد آنچه که باید از آن نگهدارنده‌ی کند مسئول است و زن نگهدارنده‌ی مال همسرش بوده، نسبت به آن مسئول است» (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۲۴۸).

از موضع وحی این مسؤولیت از جانب مرد اهمیت خاصی دارد، زیرا وی عهده‌دار سرپرستی خانواده است (نساء: ۳۴) و در نتیجه در برابر همه‌ی مسائل و مشکلات فکری، روحی، اخلاقی و اقتصادی همسر و فرزندان خود مسئول بوده که طفره رفتن و شانه خالی کردن از زیر بار این مسؤولیت‌ها، آفت بزرگی برای زندگی خانوادگی محسوب می‌شود. با این حال، می‌توان وظایف همسری را در سه بخش مسؤولیت‌های متقابل، وظایف اختصاصی مرد و وظایف اختصاصی زن در پرتو روایات و آموزه‌های دینی تبیین کرد.

۶-۵-۱) مسئولیت‌های متقابل در رفتار ارتباطی همسران

برای اداره‌ی بهتر زندگی و حفظ کیان خانواده هر یک از زن و شوهر مسئولیت‌هایی در قبال یکدیگر دارند. گرچه این مسئولیت‌های متقابل در رفتار ارتباطی زوجین، متفاوت است، لیکن متناسب و هماهنگ با ساختار وجودی آنها بوده و مایه‌ی تحکیم و حفظ پیوند می‌شود. البته ممکن است زنانی از جهات مذکور بر شوهران خود امتیاز داشته باشند، ولی قوانین به تک تک افراد نظر ندارد، بلکه نوع مردم را در نظر می‌گیرد و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان آمادگی بیشتری برای مدیریت دارند. اگرچه زنان نیز وظایفی می‌توانند به عهده بگیرند که اهمیت آن محل تردید نیست (مکارم شیرازی: ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۳۷۰؛ طباطبایی ۱۳۷۰: ج ۴، صص ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۸ و ۳۶۹).

زندگی مشترک خانوادگی نیاز شدید به علاقه، محبت و عشق زن و شوهر به یکدیگر دارد و هر کدام از آنها باید به گونه‌ای رفتار کنند که مجذوب همدیگر باشند و کانون خانواده را گرم نگه دارند (کاشفی ۱۳۸۳: ۱۶۳). اگر چه دوستی و محبت از ابتدای تشکیل خانواده وجود دارد، اما برای تداوم و افزایش آن، باید تلاشی دو جانبه صورت گیرد، تا علاقه و محبت زن و شوهر به یکدیگر افزایش یابد. برای جلب محبت همسر باید هر کار معقول و پسندیده‌ای را انجام داد، برای مثال از ابتدای ورود به خانه زن و شوهر با سلام و روی خوش با یکدیگر برخورد کنند. در بعضی از

روایات، رفتار نیکوی زن در هنگام ورود شوهر به خانه - که مایه‌ی جذب همسر است - از حقوق مرد شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حق الرجل علی المرأة... ان تستقبله عند باب بیتها فترحب»؛ «حق مرد بر زن این است که... هنگام ورود شوهر، در آستانه‌ی در خانه استقبالش کند و به وی خوش آمد گوید» (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۲۵۴). چنین برخوردی محبت به زن را در قلب شوهر افزایش داده، خستگی کار روزانه را برطرف کرده و زندگی را دلپذیر و جذاب می‌کند. در موارد بسیاری نیز اسلام بر حفظ حقوق زن تأکید کرده و مردان را بر محبت و گذشت نسبت به همسر سفارش می‌کند، به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: «ما حق المرأة علی زوجها الذی اذا فعله کان محسناً؟ قال... و ان جهلت عفر لها»؛ «حق زن بر شوهرش چیست که اگر مرد آن را انجام دهد نیکوکار است؟ فرمودند... اگر زن از روی جهل خطایی کرد، مرد او را ببخشد» (حرّعاملی ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۱۶۹).

قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «هنّ لباس لکم وانتم لباس لهنّ...» (بقره: ۱۸۷). «از آنجا که لباس انسان را می‌پوشاند و حفظ می‌کند، زن و مرد به لباس تشبیه شده‌اند (زمخشری ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۳۰)؛ یعنی زن و مرد، هر یک طرف مقابل را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین دیگران حفظ می‌کنند (طباطبایی ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۶۴). در تشبیه همسر به لباس نکات جالب توجهی وجود دارد که خود به تنهایی می‌تواند بیانگر راهبردهای مؤثر

در روابط همسری باشد؛ برای نمونه، لباس متناسب با فصل و زمان تغییر پیدا می‌کند، پس هر یک از زوجین باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی و روانی همسر خود تنظیم کند یا اینکه لباس باید در رنگ، دوخت و جنس مناسب شأن انسان باشد، یا اینکه لباس هم موجب حفظ بدن است و هم زینت به حساب می‌آید و انسان همیشه به آن نیازمند است. البته بین انسان و لباس رابطه‌ای متقابل وجود دارد. همان گونه که لباس انسان را حفظ می‌کند، انسان نیز موظف به حفظ لباس خویش است (قرائتی ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۸۲). لذا زن و مرد باید همانند لباس هم باشند، هم یکدیگر را از خطا و اشتباه حفظ کنند و هم هر یک زینت دیگری به حساب آید و به او افتخار کند. این رابطه‌ی تنگاتنگ و متقابل در یک تشبیه بسیار ساده و کوتاه بیان شده و نشان دهنده‌ی ارتباط صمیمانه و پر از صدق و دوستی دو همسر نسبت به هم است.

در این بخش از نوشتار به پاره‌ای از مسئولیت‌های متقابل - که خود از مصادیق بارز حُسن خُلق در روابط همسری محسوب می‌شود- اشارت می‌شود.

۶-۵-۱) تشکر و قدردانی

سپاسگزاری از کارهای شایسته‌ی افراد یکی از راه‌های جلب محبت بوده، مایه‌ی تشویق و ترغیب آنها به ادامه‌ی کار است. در مقابل، بی‌توجهی و قدرناشناسی از اعمال پسندیده موجب ایجاد روحیه‌ی ناامیدی و دلسردی

و نشانه‌ی پستی و خواری است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «اللوم ان لا تشکر النعمة»؛ «پستی آن است که از نعمت قدردانی و سپاسگزاری نکنی» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۸، ص ۱۰۵). در زندگی خانوادگی، هر یک از همسران باید در جهت ایفای وظایف خود متحمل رنج و زحمت شده، تمام تلاش خود را وقف زندگی کنند. از این رو، سزاوار است که هر دو نسبت به کار یکدیگر سپاسگزار باشند. در این صورت با دلگرمی بیشتر به تلاش خود ادامه داده، در حاکمیت اخلاق مدارا خواهند کوشید. بر عکس اگر زحمات هر کدام نادیده گرفته شود، به تدریج شور و نشاط و آرامش به دلسردی و پژمردگی و خشونت تبدیل خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مکتوب فی التوراة: اشکر من انعم علیک و انعم علی من شکرک فانہ لا زوال للنعماء اذا شکرک و لا بقاء لها اذا کفرت»؛ «در تورات نوشته است: از کسی که به تو احسان کرد سپاسگزاری کن و به کسی که از تو سپاسگزاری کرد احسان کن، زیرا نعمت‌ها با سپاسگزاری پایدارند و با ناسپاسی ناپایدار» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۴۹). شکر و قدردانی از زحمات بخشی از ناراحتی‌های خانوادگی و خشم و خشونت همسران را برطرف می‌کند؛ چرا که سپاسگزاری نقش مهمی در جذب افراد داشته، مایه‌ی خشنودی و مهربانی است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «شکرک للراضی عنک یزیده رضاً و وفاءً، شکرک للساخط علیک یوجب لک منه صلاحاً و تعظفاً»؛ «تشکر تو از کسی که نسبت به تو راضی باشد، خشنودی و وفاداری را زیاد می‌کند و سپاسگزاری‌ات نسبت به

کسی که به تو خشمناک است، موجب صلاح و مهربانی است» (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۴، ص ۱۶۱).

۶-۵-۱-۲) هدیه دادن

هدیه دادن که نشانگر محبت و ارادت قلبی افراد نسبت به یکدیگر است، در زندگی مشترک خانوادگی از اهمیت بیشتری برخوردار است و موجب افزایش محبت زوجین نسبت به یکدیگر شده، کینه‌ها و دشمنی‌ها را از بین می‌برد. از این رو، شایسته است که هر یک از زن و مرد به تناسب تمکن و شرایط خود، هدایای مناسبی تهیه کرده و در مناسبت‌های گوناگون و نیز پس از بازگشت از مسافرت - که به‌طور معمول همسر در انتظار آن نشسته است - به او تقدیم کند (کاشفی ۱۳۸۳: ص ۱۸۶-۱۷۹). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «الهدیة تورث المودة و تجدر الاخوة و تذهب الضغينة، تهادوا تحابوا»؛ «هدیه موجب مودت و پایداری برادری می‌شود و کینه‌ها را از بین می‌برد، به یکدیگر هدیه دهید تا همدیگر را دوست بدارید» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۷۷، ص ۱۶۶).

۶-۵-۱-۳) آراستگی به فضایل اخلاقی

بعضی از صفات ارزشمند اخلاقی نظیر صبر، گذشت، ملایمت و نرمی، احسان، سخاوت، انصاف و تواضع در جلب محبت همسر و به تبع آن در استمرار اخلاق مدارا بسیار مؤثر است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«ثلاثة يوجبن المحبة حسن الخلق و حسن الرفق والتواضع»؛ «سه چیز محبت می‌آورد: نیک‌خلقی، نیک‌رفتاری و تواضع» (تمیمی آمدی ۱۳۴۶: ج ۳، ص ۲۴۴). فضایل اخلاقی در جلب محبت همسر و تأمین سعادت خانوادگی تأثیر بسزایی دارد. زن و شوهر به منظور تداوم سعادت‌مندانگی زندگی مشترک و در امان ماندن از آفات فراوان آن باید نهایت سعی خود را در تحصیل فضایل اخلاقی به کار گیرند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «إنَّ المرءَ يحتاج في منزله و عياله الى ثلاث خصال يتكفلها و ان لم يكن في طبعه ذلك: معاشره جميلة و سعة بتقدير و غيره بتحسين»؛ «هر مردی نیازمند است که در خانه و خانواده‌اش سه خصلت را بر عهده گیرد گرچه عادتش نباشد: معاشرت شایسته، گشاده‌دستی حساب شده، غیرت و حفظ ناموس» (قمی ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۲۸).

۶-۵-۱-۴) درک شرایط، موقعیت و روحیات همسر (همدلی و همکاری) زن و شوهر باید برای دستیابی به ارزش‌ها و اهداف تشکیل خانواده رفتاری محترمانه نسبت به یکدیگر داشته، تکالیف و حقوق همدیگر را رعایت کرده، مقام و منزلت، موقعیت خانوادگی، شخصیت اجتماعی و وضعیت کاری یکدیگر را به خوبی درک کنند. درک همسر و انتظار همدلی و همکاری از او توقعی بجا و امری طبیعی است و بدین وسیله بسیاری از ناراحتی‌ها برطرف شده، صمیمیت و مدارا بر روابط حاکم می‌شود. سعادت زندگی زناشویی بر اساس کمک و تعاون

زن و مرد شکل می‌گیرد. ریشه‌ی بسیاری از درگیری‌ها، اختلافات، جدایی‌ها و از هم پاشیدگی بنیان خانواده در عدم درک همسر نهفته است. هرگاه همسران همدیگر را درک کنند و بدین گونه از مشکلات و گرفتاری‌های یکدیگر با خبر بوده، در صدد رفع آن برآیند، کانون خانواده گرم و با صفا خواهد بود. بی‌توجهی به نیازهای همسر در محیط خانواده و اختصاص ندادن وقتی از شبانه روز برای همدلی و همدردی، زندگی را بی روح و ملال‌آور می‌کند. از این رو، سفارش شده است که شوهر اوقات فراغت را در کنار همسر و فرزندان خود بگذراند تا با توجه بیشتر به آنان و اهتمام به امور خانواده، تفاهم، صفا و صمیمیت، دوستی و مودت را افزایش دهد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا»؛ «بودن مرد در میان خانواده‌اش، در پیشگاه خدا از اعتکاف در مسجد من (مسجد النبی - مدینه) محبوب‌تر است» (زی شهری ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۲۸۷).

۶-۵-۲) وظایف اختصاصی همسران

علاوه بر وظایف متقابل و مشترک همسران، تعهدات و تکالیف فردی و اختصاصی دیگری نیز وجود دارد که بر عهده‌ی هر یک از آنهاست.

۶-۵-۱) وظایف مرد در روایات

به طور کلی روایاتی را که در آن به وظایف اختصاصی مرد نسبت به

همسرش - به صراحت یا به تلویح - اشاره شده، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف - وظایف مربوط به حُسن معاشرت و نوع رفتار مرد با همسر

دسته‌ی اول، روایاتی است که وظایف رفتاری و مسئولیت‌های مربوط به نوع معاشرت و چگونگی برخورد با همسر را بیان می‌کند. از آنجا که در قسمت‌های پیشین نوشتار به این مسئله پرداخته شد، از باب تیمّن صرفاً به نقل برخی از این احادیث اکتفا می‌شود:

- امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت خود به محمد بن حنفیه فرمودند: «با همسر خود، خوش صحبت و برای او همراه و مونس خوبی باش، چه در گفتار و چه در کردار، تا عیش تو خالص شود».

- امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امور بین خود و همسرش را به نیکی بگذراند».

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر زنی که شوهرش را آزار دهد، خداوند نماز و اعمال نیکش را نمی‌پذیرد تا اینکه شوهر را راضی و خشنود سازد... و او اوّل شخصی است که وارد آتش می‌شود». سپس فرمودند: «مرد هم همان‌قدر بیچارگی و عذاب دارد، اگر همسرش را آزار دهد و به او ظلم کند و هر مردی که بر بدخُلقی بانوی خود صبر کند، خداوند برای هر مرتبه‌ای از صبر و تحمّل او پاداشی برایش قرار می‌دهد مانند پاداشی که برای سختی‌های ایوب به او داد».

- امام رضا علیه السلام در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی بر جنس زن، رقیق تر و مهربان تر است تا به جنس مرد، سپس فرمودند: هیچ مردی همسر خود را خشنود نکند مگر اینکه خداوند در قیامت او را خشنود سازد» (حرّ عاملی ۱۳۹۱: ج ۲۰، صص ۱۷۷-۱۶۹).

ب- وظایف مربوط به سرپرستی و تأمین امور اقتصادی خانواده

در این بخش از روایات، به وظایف مرد نسبت به تأمین نفقه و امور مالی و نیازهای ظاهری زندگی همسر توجه شده و شئون و ابعاد مختلف این مسئله مطرح شده است. علاوه بر خصوصیات فیزیکی و روحی مرد، تعهد او نسبت به پرداخت هزینه‌های زندگی و نیز مهریه و تأمین زندگی آبرومندانه‌ی همسر این حق را به او می‌دهد که وظیفه‌ی سرپرستی به عهده‌اش باشد (جهت مطالعه و پژوهش بیشتر ر.ک میرخانی ۱۳۸۰: ۲۰۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: «من سعادة المرء ان یکون القیم علی عیاله»؛ «سرپرستی خانواده از سعادت مرد است» (همان: ج ۱۵، ص ۲۵۱). مقصود از نفقه، هزینه‌های تأمین خوراک و پوشاک، مسکن، سفر و حتی زیورآلات و لباس‌های زینتی و تجملی - به قدر شأن - که شوهر موظف است برای او هزینه کند و زن در این زمینه طلبکار و شوهر بدهکار است (خمینی ۱۳۹۰: ج ۲، صص ۳۱۵ و ۳۱۶). بر این اساس، به منظور برخوردارگی از خانواده‌ای سالم و آرام باید شوهر از عهده‌ی نفقه برآید و زن نیز وظایف اختصاصی خود را ایفا کند تا تعادل و آرامش خانواده فراهم شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

درباره‌ی حقوق زن بر مرد فرمودند: «یکسوها من العری و یطعمها من الجوع و اذا اذنبت غفر لها»؛ «مرد باید زن را بپوشاند و سیر کند و از لغزش او چشم پبوشد» (حرّعاملی ۱۳۹۱: ج ۱۴، ص ۱۱۸). رنج و تلاش مرد برای تأمین مخارج خانواده، علاوه بر ساماندهی زندگی اجر معنوی و پاداش اخروی دارد؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «الکادّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل اله»؛ «مردی که برای خانواده‌اش رنج ببرد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۹۶، ص ۳۲۴). مردی که با داشتن قدرت مالی به تهیه‌ی امکانات مناسب زندگی و تنوع و فراخی آن اقدام نکند، خوشی و آسایش را از خانواده سلب کرده، زمینه‌ی بدبینی و بیزاری از خود را فراهم می‌آورد. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «ینبغی للرجل ان یوسّع علی عیاله لئلا یتمنوا موته»؛ «شایسته است مرد بر خانواده‌اش توسعه دهد، تا آنان آرزوی مرگ او را نکنند» (حرّعاملی ۱۳۹۱: ج ۱۵، ص ۲۴۹).

ج- وظایف مربوط به حق قسم و مسائل خاص زناشویی

با تتبع در آیات و روایات تبیین‌کننده‌ی وظایف زوج، می‌توان به این نتیجه رسید که بعضی از این متون درصدد بیان موارد وجوب و الزام عملی مرد نسبت به همسر است و برخی دیگر، دلالت بر تأکید و توصیه به رعایت اصول ارزشی در خانواده برای تحکیم روابط همسری دارد که در این بخش از نوشتار به برخی از آنها به نحو اختصار، اشاره می‌شود.

از جمله وظایف الزامی مرد، رعایت و حفظ حق قسم، بی‌توته و مضاجعت

درباره‌ی زن است؛ بدین معنا که هر چهار شب، یک بار لازم است در کنار همسر خویش بوده و با او همبستر شود (حرّعاملی ۱۳۹۱: ج ۷، ص ۸). در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «اگر مردی چهار ماه همسر را ترک کند، بعد از آن گناه کرده است» (همان: ج ۷، ح ۲۵۱۸۱). برخی از وظایف الزامی مرد در روایات عبارت‌اند از آراستن، خوشبو کردن و پوشیدن لباس خوب برای همسر، آمیزش هنگام تمایل همسر، پرهیز از آمیزش با همسر در حضور کودک، آماده کردن زن قبل از آمیزش (عدم تعجیل و خودداری از برخورد خشن و غیر انسانی). چنان‌که در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: «هنگامی که مردی با همسرش می‌آمیزد نباید تعجیل کند، زیرا از برای او نیز نسبت به امر زناشویی نیازی است که باید مورد توجه مرد قرار گیرد» (همان: ح ۲۵۱۸۳۳).

۶-۵-۲) وظایف زن در روایات

زن نیز وظایف خاص خود را دارد که باید آنها را به کار بندد و در صورت تخطی و تخلف از آن، مرتکب گناه خواهد شد. در اینجا به برخی از تکالیف زن نسبت به شوهر اشاره می‌شود.

الف - اطاعت از شوهر

مقصود از اطاعت از شوهر، فرمانبرداری در امور حقوقی و اخلاقی خانواده است، نه اموری که مخالف دستورات دینی باشد. اگر شوهر

برخلاف حکم خدا، دستوری دهد، وظیفه‌ی زن تخلف یا به صورتی فرار از آن است. رعایت این وظیفه و سایر حقوقی که شوهر بر زن دارد، تا آنجا اهمیت دارد که رسول خدا ﷺ فرمودند: «لا تؤدّی المرأة حقّ الله عزّوجلّ حتی تؤدّی حقّ زوجها»؛ «زن تا حق شوهر را نپردازد، حق خدای متعال را ادا نکرده است» (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۵۷). در روایات اسلامی، اطاعت زن از حقوق مرد شمرده شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به پرسش یکی از زنان عرب که پرسید: «ما حقّ الزّوج علی المرأة؟»؛ «حق مرد بر همسرش چیست؟» فرمودند: «أن تطیعه و لاتعصیه ... ولا تخرج من بیتها إلاّ بإذنه و إن خرجت من بیتها بغیر إذنها لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرّحمة حتی ترجع إلی بیتها...»؛ «حق مرد بر زن این است که از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نرزد و بدون اجازه‌ی مرد از خانه بیرون نرود. اگر از خانه‌اش بدون اجازه‌ی شوهر خارج شود تا هنگامی که برمی‌گردد ملائکه‌ی آسمان و زمین و ملائکه‌ی غضب و رحمت خدا، بر او لعنت می‌فرستند» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۰۷). ایشان در جای دیگر فرمودند: «یا معاشر النساء تصدّقن و أطعن أزواجکن...»؛ «ای جماعت زنان، راستگو باشید و از شوهران خود اطاعت کنید» (همان: ۵۱۴). بی‌تردید چنین توصیه‌هایی پیوند زناشویی را محکم‌تر و رفیق و سازش را در زندگی حاکم می‌کند.

ب - تدبیر منزل

حفظ و اداره‌ی خانه گرچه تکلیفی الزام‌آور برای زن نیست و رعایت نکردن آن عقوبتی برای او ندارد، ولی شایسته است که زن بر اساس سنت اسلامی و وظیفه‌ی اخلاقی به تدبیر امور خانه بپردازد، تا همسرش بیرون خانه و در تأمین هزینه‌های زندگی آسوده خاطر باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَقَّ الرَّجُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنْصَارَةَ السَّرَاحِ وَ إِصْلَاحَ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَّبَ، وَ أَنْ تَقْدَّمَ إِلَيْهِ الطُّسْتُ وَ الْمَنْدِيلُ...»؛ «حق مرد بر زن این است که زن چراغ خانه را روشن کند، به تهیه‌ی غذا و آشپزی بپردازد، هنگام ورود شوهر از او استقبال کند، به او خوشامد بگوید، آب و حوله حاضر کند...» (همان: ج ۱۴، ص ۲۵۴). در زندگی مشترک لازم است زن جایگاه خویش را بازباید و بداند که وجودش در تدبیر امور خانه ضروری و مفید بوده و همسرش در اداره‌ی زندگی به او نیازمند است، چه اینکه به عهده گرفتن مدیریت داخلی منزل متناسب با روحیه و وضعیت جسمانی اوست (فاخری ۱۳۷۸: ص ۲۶).

ج - پاسداری از حریم خانواده

گرچه حفظ کیان خانواده و صیانت از شخصیت اجتماعی و حیثیت این نهاد مقدس بر عهده‌ی هر یک از اعضای خانه است، اما زن به عنوان ناموس مرد و نماینده‌ی او در منزل در حفظ حریم و ارزش‌های خانواده مسئولیت بیشتری دارد. زن باید خود را از نامحرمان بپوشاند، با

بیگانگان ارتباط معاشرتی نداشته و در برخورد با نامحرم رفتارش متکبرانه و بزرگ من‌شانه باشد تا بین او و مردان نامحرم نوعی حجاب اخلاقی و حایل معنوی به وجود آید و کسی به او طمع نورزد. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «بهترین صفات زنان، بدترین صفات مردان است: تکبر، ترس و بخل، زیرا وقتی زن متکبر باشد از کلام نرم و دلنشین با نامحرم خودداری می‌کند و به کسی جز شوهرش سر فرود نمی‌آورد و اگر بخیل باشد مال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و اگر ترسو باشد در هر حادثه‌ای که پیش آید، احتیاط می‌کند» (نهج البلاغه ۱۳۲۶: حکمت ۲۲۶). زن حق ندارد بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه خارج شود. اگرچه به قصد دیدار دوستان و حتی پدر و مادر باشد (حرّعاملی ۱۳۹۱: ج ۱۴، ص ۱۱۲). زن امین شوهر است و باید از مال و دارایی‌های شوهر مراقبت و محافظت کند و با اسراف و تجمل‌گرایی ثروت همسرش را ضایع نسازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «المُرْتَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى مَالِ زَوْجِهَا وَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُ» (زن نسبت به مال شوهر نگهبان و مسئول است) (محدث نوری ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۸).

افزون بر آنچه گفته شد، زن وظایف دیگری نیز دارد که رعایت آن موجب استحکام پیوند و تقویت روحیه‌ی مدارا بین همسران شده از فروپاشی نظام خانوادگی جلوگیری می‌کند، که پرداختن به آن خارج از حوصله‌ی این نوشتار بوده و خود محتاج پژوهشی مفصل و مستقل است.

۷) نتیجه گیری

در این پژوهش، تلاش شد تا ضمن تبیین ضرورت استقرار و حاکمیت اخلاق مدارا با همسر در پرتو آموزه‌های تربیتی اسلام الگویی نظری و عملی مبتنی بر شاخص‌های اصیل اخلاقی - اسلامی در رفتار ارتباطی همسران استنباط و ارائه شود. نتایج این پژوهش را می‌توان در چند مورد جمع بندی و خلاصه کرد:

از دیدگاه اسلام، پایداری و دوام پیمان محکم و میثاق غلیظ ازدواج، در گرو حاکمیت و تداوم اخلاق مدارا بین همسران است.

رفق و مدارا در اصطلاح، به معنای ظلم پذیری و ضعیف پروری نیست، بلکه به معنای درک متقابل و تطبیق دادن خود با شرایط و روحیات طرف مقابل، توأم با عفو و بخشش و خوش اخلاقی است.

از موضع دین پژوهی، آثار و برکات بی شماری بر اخلاق مدارا با همسر مترتب است؛ زینت دهنده‌ی زندگی، مایه‌ی یمن و برکت، خیر و فزونی و نشان کرامت و بزرگواری و حُسن ایمان است.

از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، اوصافی چون خوش‌رویی، صداقت و صمیمیت، داشتن روابط عاشقانه، خوش‌بینی، عفو و بخشودگی، احترام و تکریم، وفای به عهد، هدیه دادن و قدردانی، پذیرش و درک متقابل و احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر را می‌توان از مهم‌ترین خصوصیات همسران اهل مدارا به شمار آورد.

نکته‌ی پایانی این مقاله، تحقیق و استنباط مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی و راه‌کارهای مدارا با همسر در پرتو آموزه‌های تربیتی اسلام است که عبارت‌اند از: عشق و مودت، حق‌سالاری و کنترل توقعات، خوش‌خُلقی و گشاده‌رویی، مهارت حل مسئله و مدیریت اختلافات و در نهایت مسئولیت‌پذیری و انجام دادن وظایف همسری.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید ۱۴۰۴. شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ◀ ابن منظور، محمدبن مکرّم ۱۴۰۵. لسان العرب، قم، ادب‌الحوزه.
- ◀ افروز، غلامعلی ۱۳۸۷. پرسش‌ها و پاسخ‌ها (روان‌شناختی، تربیتی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی)، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ انصاریان، حسین ۱۳۷۸. نظام خانواده در اسلام، قم، ام‌اینها.
- ◀ آلوسی، محمودبن عبدالله ۱۳۴۵. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، المنیریه، احیاء التراث العربی.
- ◀ آموزگار، حبیب‌الله ۱۳۵۵. مقام زن در آفرینش، تهران، اقبال.
- ◀ تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد ۱۳۴۶. غررالحکم و دررالکلم، شرح آقا جمال خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ ——— ۱۳۸۱. غررالحکم و دررالکلم، ترجمه‌ی مصطفی درایتی، مشهد، ضریح

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

آفتاب.

- ◀ خمینی، روح الله ۱۳۹۰. تحریر الوسيله، تهران، دارالکتب العلمیه.
- ◀ حافظ، شمس‌الدین محمد ۱۳۸۰. دیوان حافظ، مشهد، راهیان سبز.
- ◀ حر عاملی، محمدبن الحسن ۱۳۹۱. وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ _____ ۱۴۰۹. وسائل الشیعه، قم، آل‌البيت.
- ◀ دهخدا، علی اکبر ۱۳۴۱. لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ دورانت، ویلیام جیمز ۱۳۶۹. لذات فلسفه، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ق. المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- ◀ روسو، ژان ژاک ۱۳۴۹. امیل یا آموزش و پرورش، تهران، گنجینه.
- ◀ کری شهری، محمد ۱۳۷۵. میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
- ◀ زمخشری، جارالله محمودبن عمر ۱۴۱۴. الکشاف، قم، مکتب الاعلام الاسلام، ج ۱.
- ◀ شیخ صدوق، بوجعفر محمدبن علی (ابن بابویه) ۱۴۱۳. من لایحضره الفقیه، قم، جامعه‌ی مدرسین.
- ◀ صالحی، هاشم ۱۳۸۵. رهگشای انسانیت (نهج الفصاحه)، ترجمه‌ی ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب.
- ◀ طباطبایی، سید محمد حسین ۱۳۷۰. المیزان، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

- ◀ طریحی، فخرالدین ۱۳۷۵. مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ◀ کاشفی، محمدرضا ۱۳۸۳. آیین مهرورزی، قم، بوستان کتاب.
- ◀ کلینی، محمدبن یعقوب ۱۳۶۵. اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ فاخری، سید علیرضا و محمد حسین منتظری ۱۳۷۸. اخلاق در خانواده، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- ◀ فیض کاشانی، ملا محسن ۱۳۶۲. المحجّۃ البیضاء، قم، الاسلامی.
- ◀ فراهیدی، خلیل بن احمد ۱۴۰۵. کتاب العین، دارالهجره.
- ◀ فروم، اریک ۱۳۵۴. هنر عشق و وزیدن، ترجمه‌ی پوری سلطانی، تهران، مروارید.
- ◀ قرائتی، محسن ۱۳۸۳. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱.
- ◀ قمی، شیخ عباس ۱۳۶۳. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران، فراهانی.
- ◀ _____ ۱۳۶۳. هدیه الاحباب، تهران، امیرکبیر.
- ◀ منقی، علی بن حسام الدین ۱۴۰۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، الرساله.
- ◀ مجلسی، محمدباقر ۱۴۰۴. بحار الأنوار، بیروت، الوفاء.
- ◀ محدث نوری، میرزا حسین ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل، قم، آل البيت.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران ۱۳۷۹. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ منصور، جهانگیر ۱۳۷۹. قانون مدنی با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات، تهران، دبدار.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۸۳. مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۱.
- ◀ _____ ۱۳۵۷. نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.

◀ میرخانی، عزت السادات ۱۳۸۰. رویکردی نوین در روابط خانوادگی، تهران، سفیر صبح.

◀ فیض الاسلام ۱۳۲۶. نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام.

◀ هاشمی رکاوندی، مجتبی ۱۳۷۸. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، قم، شفق.

➤ Coombs , Robert 1991 . *Martin status & personal well-being: A literature Review*, Family Relation.

➤ Demo,D.H. & Alan,C.A 1996. *Single hood marriage & Remarriage*. The effects of family structure & family relationship on mothers “well-being”. Journal of Family. Issues.

➤ Gottman, J.M. 1993. *A theory of marital dissolution & stability*, Journal of family psychology.

➤ Hows, W.A, & Mallinckrodt, B 1998. *Separation-Individuation from family of origin & marital adjustment of recently married couples*: The American journal of family therapy.

➤ Kelly, E.L. & Conely ,J1987. *Personality & Compatibility*: A perspective analysis of marital satisfaction. Journal of personality & social psychology.

➤ Markowski, E & Green wood, P 1984. *marital adjustment as a correlate of social interest*. Individual psychology.

- Nock, Steven.L. 1995. *A comparison of marriage & connubiality Relationship*, Journal of family issues.
- Schumacher, J.A, Leonard, K.E 2005. *Husbands & Wives marital adjustment*, verbal aggression & physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. Journal of consulting & clinical psychology.
- Waite,Linda,J.1994, *Why marriage matters*, Strengthening marriage round table. Washington dc.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ